

The relationship between the religious beliefs of the Maya people and the three arts of architecture, pottery and sculpture

Moheballi Absalan¹  | Nilofar Absalan² 

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Religion and Comparative Mysticism, Faculty of Theology and Islamic Teaching, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: m.absalan@theo.usb.ac.ir
2. Master's student of Art and Architecture Engineering, University of Ferdowsi, Mashhad, Iran. E-mail: nilou.a2005@yahoo.fr

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 11 July 2022 Received in revised form: 16 August 2022 Accepted: 1 September 2022 Published online: 11 September 2022</p> <p>Keywords: Maya, architecture, religion, Pottery, Sculpture.</p>	<p>Maya is the name of a group of Central American Indians speaking various Mayan dialects and had a kind of hieroglyphics initial line to write their religious works and texts. They made significant advances in the fields of written literature, art and architecture, urban planning, mathematics, and astronomy, which were able to surpass other Central American civilizations. The religion, flourishing of the art, as well as the architecture of these people, which took place after the era of settlement in southern Mexico, have played a significant role in the history of human thought. However, the question raised is what kind of belief is rooted in the art and architecture of the Mayan civilization, the far-reaching effects of which have occupied the minds of historians, archaeologists, theologians, and artists and architects. In addition, this study seeks to identify the extraordinary features in the symbols and art of this civilization which have influenced other cultures. Obviously, the style of inclination towards the gods and the symbolism in the Mayan civilization represent a kind of mental creativity and belief which is strongly related to the climatic conditions, as well as their celestial beliefs. Thus, the coexistence of religion, art, and architecture maintained its glory for centuries has led the Maya to the superiority of civilization in the historical-cultural sphere. This study focuses on the beliefs and roots of sacred art and its impact on their arts.</p>

Cite this article: Hakimifar, K., & Khodayar, D. (2022). The relationship between the religious beliefs of the Maya people and the three arts of architecture, pottery and sculpture. *Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 6 (1), 95-113. DOI: 10.22111/jrm.2022.41026.1081



© The Author(s).

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: 10.22111/jrm.2022.41026.1081

رابطه باورهای دینی قوم مایا با سه هنر معماری، سفالگری و پیکرتراشی

محب علی آبسالان^۱ | نیلوفر آبسالان^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه:

m.absalan@theo.usb.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی هنر و معماری دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. رایانامه: nilou.a2005@yahoo.fr

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مایا نام گروهی از سرخپوستان آمریکای مرکزی است که به گویش های متعدد زبان مایایی تکلم می کردند و نوعی خط ابتدایی هیروگلیفی داشتند که آثار و متون دینی خود را بر اساس آن می نگاشتند. آنها در زمینه های ادبیات نوشتار، هنر و معماری، شهرسازی، ریاضیات و ستاره شناسی به پیشرفت های قابل توجهی نائل آمدند و توانستند بر سایر تمدن های آمریکای مرکزی برتری و تفوق یابند. دین و شکوفایی هنر و معماری این قوم که پس از عصر سکنی گزینی در جنوب مکزیک صورت گرفت، در تاریخ تفکر بشری درخشش قابل توجهی دارد. می توان پرسید که هنر و معماری تمدن مایا ریشه در چه نوعی باوری داشته است که اثرات گسترده آن تا به امروز ذهن مورخان، باستان شناسان، دین شناسان هنرمندان و معماران را به خود مشغول نموده است؟ و چه ویژگی های فوق العاده ای را می توان در نمادها و هنر این تمدن مشاهده نمود که سایر فرهنگ ها را تحت تاثیر قرار داده است؟ قطعا سبک گرایش به خدایان و نمادگرایی های موجود در تمدن مایا نشان نوعی خلاقیت ذهنی و اعتقادی است که مسلماً پیوند مستحکمی نه تنها با شرایط اقلیمی، بلکه با باورهای دینی آنها دارد. به طور قطع آنچه مایا را به تفوق یک تمدن در گستره تاریخی - فرهنگی رسانده است، رابطه توأمان دین، هنر و معماری است که قرن های متمادی است شکوه و عظمت خود را نگه داشته اند. ما در این پژوهش به بررسی ریشه های اعتقادات دینی و تاثیر آنها بر هنرهای این قوم خواهیم پرداخت.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۰	
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۵/۲۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۲۵	
واژه های کلیدی: مایا، دین و خدایان، معماری، سفالگری و پیکرتراشی	

استناد: آبسالان، محب علی؛ آبسالان، نیلوفر (۱۴۰۱). رابطه باورهای دینی قوم مایا با سه هنر معماری، سفالگری و پیکرتراشی. *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*، ۶ (۱)، ۹۵-۱۱۳.

DOI: 10.22111/jrm.2022.41026.1081



مقدمه

تمدن مایا یکی از مرموزترین تمدن های باستانی در آمریکای مرکزی است که به لحاظ اعتقادات دینی و باور به خدایان متعدد، تمدنی را در دل جنگل های بارانی پایه گذاشتند. برخی بر این باورند که قوم مایا با بهره گیری از تمدن های گذشته خود نظیر اولمیک^۱ توانستند در خلال سالهای ۲۵۰ تا ۹۰۰ پس از میلاد تمدنی عظیم بنا نمایند. اگرچه این تمدن دارای سه دوره تاریخی پسا کلاسیک یا زندگی ابتدایی (۱۰۰۰ پ.م تا ۲۵۰ م)، دوران کلاسیک یا عصر طلایی (۲۵۰ تا ۹۰۰ م) و دوره پسا کلاسیک (۹۰۰ م به بعد) است (Estrada-Belli, 2011: 1, 3) اما درخشش اصلی این قوم در عصر طلایی به اوج خود رسیده بود که با دارا بودن موقعیت جغرافیای، برخوردار از آیین و نشانه ها و نمادهایی است که در پدیده های گوناگون طبیعی چون کوه ها، غارها، سنگ ها و حوضچه هایی که تعلق ذاتی به اجداد و خدایان این قوم دارد، قابل رویت است. آنها این مکان های قدسی را جایگاهی امن برای اجرای آیین های دینی خود می دانستند. برخی از محققان معتقدند که انتقال کوچ نشینی به یکجانشینی در شکوفایی فرهنگ مایا اهمیت حیاتی داشته است، اما باید در نظر داشت که شهرسازی مایاها پیش از آنکه شهرهای باستانی ساخته شوند آغاز شده بود و کماکان پس از سقوط آنان تا حدود ۱۲۰۰ میلادی نیز ادامه یافت. هرچند این تمدن با هجوم اسپانیایی ها و اقوام مجاور به فراموشی نسبی رسید و آثار مکتوب و متون اعتقادی شان تا اندازه ای از بین رفت، اما فرهنگ سینه به سینه این قوم تا به امروز جریان دارد که نشان از نوعی باورهای دینی و اقلیمی است که در هنرهای معماری، سفالگری و پیکرتراشی نمایان شده است. این تمدن که در ابعاد گوناگون هنری دستاوردهای چشمگیری داشته، به عنوان "یکی از اسرار بزرگ انسان شناسی" شمرده شده است (Peterson, 2005: 322) تا جایی که تمدن های دیگر ما قبل دوران کورتس^۲ هرگز نتوانسته اند با آن برابری کنند. (نیدرگانگ، ۱۳۵۶، ج ۳، ص ۶۴۹). از ویژگی های قوم مایا این

^۱ *Les Olmèques*، اولمک ها مردمی باستانی قبل از کلمبیا که از ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد تا ۵۰۰ سال پس از میلاد در سواحل خلیج مکزیک و در امتداد سواحل اقیانوس آرام رشد کردند و تمدن و فرهنگ آنها را به عنوان "فرهنگ مادر" معرفی نموده اند. (Soustelle, 1979: 217)

^۲ Cortes، هرنان کورتس (۱۴۸۵-۱۵۴۷) که نقش اصلی را در فتح مکزیک و تسخیر آزتک ایفا کرد که به خاطر فتوحاتش و ثروتی که در سالهای اول استعمار انباشت به یکی از قدرتمندترین مردان دنیا تبدیل شد

است که بر خلاف سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها سنت نگارش متون اعتقادی را شروع نمودند که موجب رونق و شکوفایی دانش و علم این قوم گردید. اما نوشتارهای دین قوم مایا همراه با تصاویر و کنده کاری‌هایی روی سنگ و حکاکی مجسمه‌های کوچک است و بیشتر این مجموعه دارای محتوایی اعتقادی، آیینی و دینی است که وابستگی‌های تاریخی و نژادی به اجداد، علوم و هنرهای این قوم را به خوبی نشان می‌دهد (لانگ، ۱۳۸۳، ص. ۹۷). مایا که نظام کیهان‌شناسی خود را در سه قلمرو آسمانی، طبقه میانی یعنی زمین و جهان زیرین که ارواح و خدایان در آن زندگی می‌کنند، تقسیم بندی نمود، تمام اشکال هنری و معماری خود را بر اساس این سه نگرش بنیان نهاد و به نحوی ارتباط تنگاتنگ خدایان و بشر را بر روی آثار و تمدن خود به نمایش گذاشت. در بسیاری از حکاکی‌ها، سنگ‌پاره‌ها و معماری مایا با چهره‌های بشری مواجه می‌شویم که حتی خدایان نیز از این چهره برخوردارند، چه خدایان آسمانی باشند که جاودانند و دارای حیات ابدی و چه خدایانی که خواهند مرد (Kaufmann 2003: 70-77).

در این پژوهش اعتقادات کلی قوم مایا و تاثیرات دینی آنها بر روی هنرهای سه گانه معماری، سفالگری و پیکرتراشی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کیهان‌شناسی قوم مایا

دین مایا تا حد زیادی مبهم مانده است اما نشانه‌های به جا مانده از آنها نشان می‌دهد که در ابعاد گوناگون حیات بشری طرح و دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به سایر تمدن‌ها داشته‌اند. آنها کیهان را به سه طبقه منظم قلمرو آسمانی، طبقه میانی (زمین) و جهان زیرین^۳ تقسیم بندی کرده‌اند. در باره قلمرو آسمان سه نظریه متفاوت در آثارشان به چشم می‌خورد که معروفترین نظریه این است که آسمان از سیزده لایه تشکیل شده است که هر کدام الوهیت خاص خود را دارند. در بالاترین سطح، پرنده موان^۴ بود. اما گروهی دیگر بر این باور بودند که آسمان لایه لایه است و هر یک از چهار زاویه آن توسط خدایی به نام باکاب^۵ که برخوردار از ماهیچه‌های قوی است، نگهداری می‌شود. اما گروه دیگر این اعتقاد را دارند که آسمان توسط چهار درخت با رنگ‌ها و گونه‌های مختلف نگه‌داری

³ Xibalba

⁴ Muan

⁵ Bacab

می‌شود و سیباً سبز، در مرکز آن قرار دارد. بهشت نیز در آسمان قرار دارد و انسانهای نیکوکار پس از مرگشان، زیر درختی عظیم به نام یاخچه^۷، که شاخه هایش را به هر طرف می‌گشاید، زندگی آرامی را بهشت‌ها خواهند داشت که در آنجا همه خستگی‌ها و همه عذاب‌هایشان را فراموش خواهند کرد، با نسیم خنکی که می‌وزد و موسیقی ملایمی شاداب می‌شود، وقت را به خوشی و در گفتگوهای دوستانه سپری می‌کنند و غذاهای لذیذ می‌خورند. اما دنیای زیرین یا اموات شامل نه طبقه است که توسط نه "اربابان شب"^۸ اداره می‌شود. دنیای زیرزمینی مکانی سرد و غیر قابل تحمل است که بیشتر مایاها پس از مرگشان به آنجا می‌روند. از نظر قوم مایا هنگامی که پادشاهان می‌میرند، مسیر مرتبط با حرکت خورشید را در پیش می‌گیرند و به دنیای زیرین می‌افتند، اما به دلیل داشتن قدرت‌های ماوراء طبیعی در بهشت دوباره متولد می‌شوند و شخصیت‌های جدیدی می‌گیرند^۹. جهان زیرین نیز هر روز غروب پذیرای اجرام آسمانی مانند خورشید، ماه و زهره است که از آستانه افق عبور می‌کنند. اما زمین شکلی تخت و مربع دارد که هر یک از چهار زاویه آن در یک نقطه قرار دارد و هر طرف با رنگی نشان داده می‌شود: قرمز در شرق، سفید در شمال، سیاه در غرب و زرد در جنوب و مرکز سبز. از نظر مایا شکل سطح زمین نمایانگر پشت یک تمساح غول‌پیکر است که در یک حوض پر از نیلوفرهای آبی قرار گرفته است و در آسمان، همتای کروکودیل یک مار دو سر وجود دارد، مفهومی که بدون شک به این واقعیت مربوط می‌شود که آسمان را مشخص می‌کند که شبیه کلمه است (Dufresne, 2013: 16) اگرچه تقدس مکان‌های زمینی و تاثیرات آنها در حیات معنوی

^۶ Ciba سیبا مقدس‌ترین درخت نزد قوم باستانی مایا بود و طبق اساطیر مایا نماد جهان است. این درخت نشان‌دهنده مسیر ارتباطی بین سه سطح جهان است.
^۷ Yaxche نمادی از تعادل کیهان و زندگی است و ارتباط بین عالم اموات، زمین و آسمان را برقرار می‌کند. او را ستون جهان نیز می‌نامند.

^۸Seigneurs de la Nuit

^۹ برخی از نقاشی‌ها و آثار هنری نشان از این است که فرد متوفا در قالب نوزاد زندگی مجددی را شروع خواهد کرد اگر چه بر طبق سنت‌های مایایی در کنار فرد متوفا تمام امکانات رفاهی را فراهم می‌نمودند اما تا زمان بازگشت مجدد این وسایل و تجهیزات را لازمه آرامش و خشنودی متوفا می‌دانستند. (کنوروزف،

قوم مایا نشان از ارتباط تنگاتنگ خدایان با بشر فانی را دارد، اما تکثر خدایان که قادرند سرشت، شکل و شمایل خود را تغییر دهند و هر لحظه در قلمرو هستی می توانند به کمک انسان ها بشتابند، کار باستانشناسان، ادیان شناسان، هنرمندان و معماران را در تشخیص هویت واقعی شان دشوار نموده است. اما علیرغم تعدد شخصیت، هر یک از خدایان در شکل گیری نظام آفرینش، و وظایف ذاتی خود جهان را مدیریت می نمایند. چنانکه مهم ترین خدا یعنی "ایتزامنا"^{۱۰} (خانه مارمولک) که خود را در آسمان به صورت کهکشان راه شیری نیز ظاهر می سازد و دو خدای دیگر یعنی: "کینیچ آمائو"^{۱۱} (خدای خورشید) و "هوناهاپو"^{۱۲} (خدای ستاره زهره) از هنگام طلوع تا موقع غروب شکل های گوناگونی به خود می گیرند (نتزلی، ۱۳۸۵، ۵۷-۵۶)، اما ارتباط با حیات بشری و هستی از وظیفه آنها گسسته نمی شود. چنانکه چرخش جهان و گردش شب و روز و ریزش باران از آسمان بر پایه نظمی ذاتی در هستی استوار است که می توان ازلیت و ابدیت این نظم و عوامل تغییردهنده جهان را تحلیل نمود (لانگ، ۱۳۸۳، ص. ۹۷)

آیین های عمومی

قربانی حیوانی در روزهای معین سال از اعمال آیین عمومی است که در آن به رقص های مهیج می پردازند و رهبران دینی به سوراخ کردن قسمت نرم بدن چون گوش، زبان، لب و... می پردازند. سپس با آغشته نمودن بت منتخب به خون و یا آلودن کاغذ با آن، پس از اجرا آن بت یا کاغذ را می سوزانند تا دود و شعله های آتش نیایش و اجرای اعمال به جانب آسمان صعود نماید. اجرای این آیین که مفهومی قدسی دارد، منحصر به رهبران آنها نمی باشد، بلکه خون جوانان و زنان عالی رتبه نیز دارای پیامی آسمانی هستند که گاهی با ریختن خون آنها بر روی ذرت های آغشته به خون نان مقدس را می پزند و در میان مردم توزیع می کنند. این روزهای قدسی به خوشگذرانی و عدم ارتباط نزدیک با زنان سپری می شود (Bancroft, 1883, 710). در جشن های متکثر و آیین های خاص قوم مایا می توان دو نوع رفتار و اعمال دینی را مشاهده نمود. نوعی رفتار که مربوط به اجرای عمومی است و غالباً عموم مردم بطور دسته جمعی مراسم را اجرا می کنند و رفتار و اعمال آیینی دیگر مربوط به

¹⁰ Itzamna

¹¹ Kinich Ahau

¹² Hunahpu

افرادی خاص می باشد که با افراط گری های آیینی به جلب رضایت خدایان می پردازند. این قوم قبل از آغاز کارهای مهم در قبیله به اجرای قربانی می پردازند. عمدتاً درخواست های آنان از خدایان در چهار جنبه حیات فردی خلاصه می شود یعنی عمر طولانی، تندرستی، اولاد و مایحتاج زندگی. آنها دارای محراب های ویژه ای هستند که هنگام گرفتاری و آلام سخت به آن پناه می برند و با روان ساختن خون از قسمت هائی از بدنشان به رفع نیازهای خود می پردازند. اگر آنها تمایل به فرزندان پسر داشته باشند، قربانی خود را در چشمه ها انجام می دهند. آنها دارای محراب هایی در بیشه زارهای انبوه هستند که اگر در بهار جایی را با درخت های زیادی بیابند، آنجا را مکانی برای الهه می دانند؛ زیرا دو الهه که متعلق به مکان هایی که در آن درخت و آبگیر است وجود دارند (Bancroft, 1883, 687-8). اغلب در جشن های مذهبی که بر مبنای تقویم مایایی صورت می گیرد تمامی مردم شرکت می کنند. یکی از برجسته ترین جشن های آیینی که تمام شب را باید بیدار بمانند زمانی است که رهبر قبیله با تعدادی از مردان برجسته خود برای پیشگویی شرکت می کند و توصیه می شود که قربانی باید در این مراسم انجام گیرد. یکی از مردان پیشگو کار خود را آغاز می کند. تعداد کمی نیز مشخص می شود که در چه روزی باید خوشبخت باشند. وقتی که روز آن مشخص گردید، باید در خانه ای جدا از همسرانشان به مدت شش یا هشت روز و گاهی بیشتر زندگی کنند و هر یک باید هر روز به قربانی جسمی خود بپردازد. بریدن و روان ساختن خون از ران، زبان، و سایر بخش های بدن. این عمل در چندین مرحله از روز باید تکرار شود و کندر نیز بسوزانند. ایشان در این مدت حق استحمام ندارند. پس از اتمام قربانی های شخصی به آنها اجازه داده می شود به هر جایی از شهر که تمایل دارند بروند. سپس آنها در میدان معبد می آیند، آواز می خوانند، موسیقی می نوازند و می رقصند و بت های محراب ها برافراشته می شوند. موقع قربانی کردن فرد را در برابر خدای قرار می دادند و اینگونه نیایش می کردند که ای خدا! در برابر قربانی برای ما باران بفرست! به ما سلامتی ارزانی کن! سپس خون فرد قربانی را بر روی بت های خودشان می ریختند (Bancroft, 1883, 688-9). در این میان قربانی انسانی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار بود، زیرا مطلوب ترین قربانی شمرده می شد و در واقع قربانی انسانی جزء ضروری تشریفات مذهبی مایاها

هنگام عبادت کردن گروهی بوده است که این قربانی کردن در برابر خدایان خاصی که از پدیده‌های طبیعی بوده است، صورت می‌گرفته» (cowper,2010,p.31)

مکان‌های مقدس

قربانی در مکان‌های مقدس امری قدسی تلقی می‌شده و معابد و یا مکان‌هایی که متعلق به قربانی‌های انسانی بود جایگاه خاصی در میان این قوم داشته است. در نظر قوم مایا برخی از مکان‌ها به جهت قداستی که در آنها احساس می‌کردند از اهمیت خاصی برخوردار بود. غار مکانی مقدس بود، به‌خصوص زمانی که چشمه‌ای از آن سرچشمه می‌گرفت، نماد زندگی و تولد دوباره پنداشته می‌شد و می‌توان آن را به حرم، عبادتگاه، محل ملاقات با خدایان زمین تشبیه کرد. این می‌تواند یک مکان تشییع جنازه باشد که تحقق نمادین از دنیای مرگ است. گلدان‌های تشییع جنازه حاوی خاکستر متوفی در غارها نیز گواهی بر این امر است. در دل غارها گاهی باستان‌شناسان با حکاکی‌هایی در غارها مواجه می‌شده‌اند که زندگی و شخصیت متوفی را تداعی می‌کنند. پیشنهادهایی که در آنجا قرار داده شده نشان می‌دهد که امید به زندگی در آینده را نشان می‌دهد. چنانکه غار کاندلاریا^۱ مکانی قدسی است. این مکان علاوه بر این که فضای تشریفاتی بوده، مرکز اجرای برخی از آیین‌ها به شمار می‌رفته است که در آنجا معنا و مفهومی از چرخه‌های حیات را به نمایش می‌گذاشته‌اند. باور بر این است که در این غار نگرهبانی زنده به نام زوولتاقا^۲ زندگی می‌کند و بر اجرای آیین‌های غار نظارت دارد. گاهی در میان این مراسم با سیزده خدای مقدس دیگر مواجه می‌شویم که تمام برنامه‌های آیینی جهت کسب معنویت از آن خدایان می‌باشد.

(Denimal Romain, 2021: 4-7).

اهرام^۳ و کاخ‌هایی که جلوه‌های تمدن آنهاست نیز جنبه‌ای مقدس داشته است، زیرا آن مکان‌ها را محل استقرار خدایان می‌دانستند و اهرام معرف کوه‌های بلندی بوده است که پادشاهان برای

^۱ Candelaria

^۲ tzuultaq'a

^۳ قابل ذکر است که اهرام مایا هیچ ربطی به اهرام مصر ندارد. در واقع اهرام مایا در طول هزاره اول قبل از میلاد، در پایان دوره پیش کلاسیک میانه ظاهر شدند، در حالی که مقبره‌های مصری در آغاز هزاره سوم قبل از میلاد ساخته شدند. عملکرد آنها کاملاً ناهمگون است. اهرام مایا بیش از هر چیز مجموعه‌ای از دو ساختار

دسترسی به دنیای ماوراء طبیعی از خلسه ها و تشریفات آیینی استفاده می کردند و به آنها اجازه می داد با خدایان گفتگو کنند. این اهرام همچنین مقبره هایی را در خود جای داده بودند که اغلب سلطنتی بودند. معروفترین آنها کینیچ جناب پاکال اول^۱ در زیر معبد کتیبه‌های پالنکه است. مایاها با افزودن نماهای حکاکی شده و نقاشی شده به هرم و معبد که پیام های مذهبی را بیان می کرد، حضور پررنگ خدایان را در معابد نشان می دادند. در واقع، اهرام بزرگ گاهی به صورت تپه های مصنوعی به نظر می رسند که به خدایان و مراسمی که به آنها احترام می گذارند اختصاص داده شده است. معمولاً آنها تمام هرم را با گچ (گچ بری) می پوشانده اند، سپس تمام آن را رنگ قرمز یا رنگ روشن می زدند (Baudez, 2002: 467) بناهای مذهبی قوم مایا غالباً به شکل هرم ساخته شده اند که اهرام آنها راهی برای نزدیک شدن به آسمان و نزدیک شدن به خدایان بود که در مراسم و قربانی های خونی و غیر خونی از این مکان ها استفاده می کردند. همچنین به عنوان مکانی برای مشاهده ستارگان و خورشید مورد استفاده قرار می گرفتند و بر این اساس تقویم ۳۶۵ روزه شمسی خود را ایجاد کردند.

در نمای ساختمان از موزاییک و انواع رنگهای متنوع که دارای رمز خاصی بود استفاده می شد و به کار گیری نقوش و تصویر های مختلف در درون اتاق ها یا راهروها و نمای خارجی ساختمان های مفهومی دین و اعتقادی داشت.

کوه های بلند نیز مکان هایی مقدس بودند و به همین جهت است که آثار به جا مانده از آنها نشان از مکان های مرتفعی می دهد که محل ارتباط با خدایان بود. آتشفشان ها را نیز مأمّن یا محل زندگی خدایان خاصی می دانستند که به آنها هدایایی تقدیم می شد.^۲

روی هم قرار گرفته اند: یک پایه بدن ساختمان؛ و معبد، که نشان می دهد خدا از مردم برتر، و بالاتر از مردم عادی است.

^۱ K'inich Janaab' Pakal 1.

^۲ Palenque

^۳ هنگامی که صورت های فلکی با شکل خاصی ظاهر می شدند، آتش جدیدی بر روی یک آتشفشان خاموش باستانی افروخته می شد و جشن می گرفتند.

هنرهای سه گانه

معماری قوم مایا

قوم مایا بیشتر به دلیل داشتن فرهنگ پیچیده ای که تعداد زیادی علامت های هیروگلیف را در بر دارند، امروزه شهرت جهانی یافته اند. علامت های هیروگلیف که معمولاً روی سنگ ها، استخوان ها، سفالینه ها و بناها دیده می شود، نشان از رابطه تنگاتنگ هنر و دارد، چنانکه دو جنبه امید به خدایان و دلهره از آنان در بیشتر آثارشان جلوه گر شده است و کثرت تزئینات موجود در پیکر تراشی ها، ستون های یک و نیم متر تا هفت و نیم متر نوعی ایمان و وفاداری به خدایان را متبلور می سازد (گاردنر، ۱۳۶۵، ص. ۷۴۶). معماری مایا به دلیل تفاوت های بنیادین از معماری دیگر تمدن های مکزیکی کاملاً جدا و مستقل است. معابد مایا، به دلیل استفاده از یک سامانه سقف سازی بی همتا در مناطق سرخپوست نشین متمایز هستند. تنها مایاها بودند که توانستند با زدن طاق بنایی کاذب سقف ساختمان هایشان را با مخلوطی از سنگ و سیمان پر کنند و همین کار موجب حفظ بناها و سبک معماری آنها شده است (استرلین، ۱۳۸۶، ص. ۱۸). البته دو شیوه متفاوت در طراحی و ساخت فضاهای معماری مایا وجود داشت که نخست شیوه ای ساده و ابتدایی بود که براساس آن خانه ها را با کمک خشت و گل و سازه های چوبی می ساختند و سقف آن را با خرپایی چوبی که در روی آن از شاخ و برگ درختان و اندوه گل و سایر مصالح بنایی استفاده می کردند می پوشاندند. مصالح ساده و ابتدایی خانه ها و سایر بناهای کوچک باعث می شد که آن ها چندان پایدار نباشند و پس از گذشت دوره ای خراب شوند. به همین جهت به جز آثاری از سکوها و پایه های برخی از آن ها، هیچ اثر دیگری از این گونه بناها باقی نمانده است. در شیوه دوم، طراحی و ساخت بناهای دینی و کاخ ها سنگ به صورت خطی و متشکل از یک یا دو ردیف اتاق در کنار هم به کار رفته است. این فضاها که به صورت برون گرا^۱ و به طور معمول بر روی سکویی نسبتاً مرتفع ساخته شده اند به عنوان کاخ تلقی شده اند. (پراسکور یاکوف، ۱۳۸۴، ص. ۹-۱۰). از برخی کاخ ها و ساختمان ها برای انجام مراسم

^۱ در معماری به بناهایی گفته می شود که با فضا و محیط بیرون مانند مسیرها و گذر ها و راهها و عناصر دیگر موجود در یک شهر در ارتباط بوده است و فضای داخلی همین ارتباط را می تواند با فضای برون داشته باشد

عمومی یا برای اقامت کاهنان و به عنوان فضاهای آیینی نیز استفاده شده و هر یک به منظور اهداف خاص دینی بنا شده است. (Spence, 2007, p. 189).

البته سبک و جهت های بناها و معماری معابد با طرحی نجومی ساخته می شده، به گونه ای که امتداد ساختمان ها و عناصر آن غالباً بر اساس امتداد زاویه طلوع و غروب خورشید در ایام و اوقات مختلف سال تعیین می شدند و به این ترتیب به کمک این معابد و عناصر آن، توانستند فعالیت های نجومی و گاهشماری را انجام دهند؛ زیرا در دنیای باستان، علم نجوم اغلب با دین آمیخته بود و در بیشتر فرهنگ های کهن منجمان نقش دینی یا آیینی داشته اند چون علت بسیاری از حوادث و اتفاقاتی که در روی زمین صورت می گرفت و در مواردی سرنوشت افراد و جوامع را در آسمان جست و جو می کردند (پراسکوریاکوف، ۱۳۸۴، ص. ۷). آنها برای ساختن فضاهای بسته سنگی، از شیوه هلال نمایشی یا طاق های کاذب استفاده می کردند. در این روش رجهای سنگ به قدری در سمت داخل برجستگی پیدا می کردند که سرانجام به یکدیگر می رسیدند و فضایی داخلی پدید می آوردند که بخش فوقانی اش مقطعی مثلثی شکل داشت. پهنای اتاق هایی که بدین شکل ساخته می شد هیچ گاه از چهار و نیم متر بیشتر نمی شد ولی طولش محدودیتی نداشت. معابد که با این روش ساخته می شدند از یک یا چندین اتاقک باریک و دراز تشکیل می شدند. در برخی از ساختمان ها ستیغ مشبک بام یا شانه تزیینی آن از بام نیز بالاتر قرار می گرفت که می توان نمونه ای آن را در ستون های عظیم یادبود یا ستون های تقویم سنگی مشاهده کرد که ارتفاعشان از یک و نیم تا هفت و نیم می رسید و در میدان های معابد نصب می شدند. روی بسیاری از این ستون ها تاریخ وجود دارد و غالباً روز نصب آن ها را مشخص می کنند. اینگونه ستون ها از حدود سده نخست تا سده هفتم یا هشتم میلادی کنده کاری می شدند و بدین ترتیب، می توان توالی سبک های سازندگان شان را دقیقاً به صورت نمودار مجسم ساخت. سطح بیشترشان انباشته از نقوش برجسته است و معمولاً از پیکره ای با لباس مذهبی یا آیینی در میان علائم یا حروف رمزی یا موضوعاتی نیم برجسته تشکیل می شود. صخره عظیمی در "کویی ریگوا"^۱ محرابی است از کنده کاریهای برجسته و نیم برجسته

^۱ Quiriguá سایت باستان شناسی قوم مایا است که در ایزابل در جنوب شرقی گواتمالا واقع است.

که در آن پیکره ای انسانی است که در ردایی پرنقش و نگار به تن کرده، کلاهی بزرگ بر سر دارد و در دهان اژدهای بزرگ نشسته است و نمادی از پیکره آسمانی است که فرانسوی شده است (M. Schortman, 1983:129-130).

گاهی با اتاق هایی مواجه می شویم که شکل نمادین دارند، به نحوی که در هر اتاقک ردیف های پایینی، میانی، و فوقانی صحنه ها، به ترتیب معرف مردم، کشیشان، نجیب زادگان، و نماد های آسمانی هستند. صحنه های اصلی به تدارکات مربوط به رقص آیینی، حمله به یک شهر و زندانیان، قربانی کردن زندانیان، و رقص مربوط می شوند.

سفالگری قوم مایا

در هنرهای تجسمی می توان سفالگری را از ویژگی های بارز هنر مایایی بر شمرد. در دوران کلاسیک مایاها شروع به تولید آثار سفالی چندرنگی کردند که بیشتر جنبه اعتقادی داشت و به طور کلی سه جنبه از آثار دینی را می توان بر روی این سفالینه ها مشاهده نمود:

۱- اینکه این سفالینه ها که عمدتاً به گونه جام یا کاسه و یا مجسمه های سفال هستند، رنگ آمیزی شده و دارای نقش ها و طرح هایی هستند که نمادهای اساطیری و آسمانی مندرج درس باورهای قوم مایا ارائه می کند.

۲- نقاشی های رمز گونه ای بر روی بیشتر سفالینه های به دست آمده مایایی دیده می شود که بیشترشان الهامات دینی است، مفهومی آسمانی دارند و اغلب ارتباط بین آسمان و انسان را نشان می دهند. این گونه نقاشی ها بر روی اشیاء محسوس و بر روی ابزار زندگی روزمره آنها مشاهده می شود.

۳- سفالینه هایی با نقش هایی در حال اجرای اعمال مذهبی و آیینی که به نحوی شیوه های درخواست و تقاضای مردم را از خدایان نشان می دهند که از آن جمله می توان از نقش شمن ها در مواجهه با خدایان نام برد (تصویر ۱، ۲، ۳).

نظر به اینکه قوم مایا چرخ سفالگری نداشته اند، با صرف زمان زیاد با نوک انگشتان تکه های گل را تبدیل به کاسه یا کوزه می کردند. روش کار آن ها لوله کردن گل و شکل مارپیچ به آن ها بوده است. یکی از سفالینه هایی که بسیار قابل توجه است و جنبه های آیینی را به قوم مایا تعلیم می دهد، وظیفه شمن هایی است که در اجرای نیایش های خاص خود برای خدایان اعمال دینی انجام می

دهند. غالباً این اعمال مختص شمن ها است و مردم عادی نمی توانند به اجرای چنین اعمالی بپردازند. از نقش های رنگین بر روی دو کوزه زیر که با ظرافت هنری و نگرشی دینی رنگ آمیزی شده است مشاهده می کنیم که دو شمن در حال اجرای مراسم دینی برای تداوم زندگی بر روی زمین هستند. یکی از شمن ها قسمتی از اندام بدنش بریده شده (تصویر ۱) و خونسش را روی کاغذی که درون کاسه هست می ریزد و سپس کاغذ را می سوزاند تا شعله و دودش به سمت خدایان صعود کند. در تصویر (۲) شمنی را می بینیم که شکلی موج و قرمز رنگ در دست دارد که نمادی از ایتز^۱ همان انرژی الهی است که از طریق سوراخی که در سقف آسمان وجود دارد (تصویر ۳) وارد دنیا می شود. این دو کوزه در حال حاضر در موزه تمدن در کانادا نگه داری می شوند (Canadian Museum of Civilization, XXI-A-372, K95-445) و در تصویر (۴) کوزه ای را مشاهده می کنیم که در گرداگرد این کوزه سه اشراف زاده در حالت نشسته نان مذهبی خود را که از لایه های زیادی خمیر پخته شده است در دست دارند و در حال تقدیم نان به خدایان هستند تا به آنها اطمینان بدهند که هر سال محصولات فراوان و سالمی را به مردم ارزانی می کنند. در این آیین معمولاً شمن ها در خواست فراوانی محصولاتی چون ذرت، لوبیا و کدو را دارند (Canadian Museum of Civilization, XXI-A-145, K95-443).



تصویر ۱



تصویر ۲

شمن در حال رقص و دریافت انرژی معنوی
(موزه تمدن ها در کانادا)

¹ itz



تصویر ۳



تصویر ۴

اشکال گل نماد سوراخ در آسمان

کار نقاش بر روی سفالینه ها و پیکره ها وابسته به نیازها و مکان های مذهبی بود و تقریباً به ندرت می توان جداگانه یا مستقلاً مشاهده و بررسی اش کرد، چون بیشتر نقش های برجسته رنگ آمیزی می شدند. خطوط کناره نمای پیکره ها را گاهی رنگ قرمز مشخص می کردند، داخلشان را با رنگ تخت^۲ پر می کردند و دوباره خطوط کناره نمای پیکره ها را با رنگ سیاه می کشیدند. رنگ آبی نیلی نزد مایاها جنبه الوهیت داشت و رنگی که استفاده می کردند، از نوع ماندگار آن بود که تجزیه نمی شد و از بین نمی رفت. رنگی که به کار می بردند، طی فرآیندی پیچیده و شیمیایی به دست می آمد و امروزه پژوهشگران از طریق آزمایش های شیمیایی به روش باثبات کردن این رنگ ها پی برده اند که هنوز نیز پس از گذشت قرن ها ماندگاری و درخشندگی خود را حفظ کرده اند. مایاها همچنین با ابداعاتی که در زمینه رنگ آمیزی و گچ بری داشتند، تغییراتی در نحوه ساخت پرستشگاه ایجاد کردند. به این نحو که پرستشگاه های مایایی علاوه بر ساخت پلکانی دارای طرح ها و نقاشی های رنگی به همراه گچ بری نیز بودند که معمولاً تجسم خدایان و نیای شاهان مایایی بود.

^۲ رنگ بدون سایه روشن

پیکرتراشی قوم مایا

هنر دیگر قوم مایا که باورهای دینی در آنها متبلور است تراش سنگ هایی است که هر یک نمادی از خدایان آسمان هستند. به عنوان نمونه ماسک معرف خدای پلنگ است که برای اولین بار در فرهنگ الملک^۳ به عنوان «گرگ- پلنگ» ظاهر شد. این الوهیت را می توان به صورتی توصیف کرد که دارای سوراخ بینی گشاد، ابرو های طوماری و دندان های تیز است. او را خدای باران یا رعد و برق نیز می نامند که در عالم مردگان زندگی می کند. پادشاهان و اشراف مایا پوست پلنگ بر تن می کردند و یا مدل مویی را درست می کردند که نشانگر انرژی مثبت زیاد آنها بود (تصویر ۶).



(تصویر ۶)

Musée canadien des civilisations, XXI-A-6

مجسمه سنگی تصویر ۷ این مجسمه از جنس خاک رس درست شده و در تابوت یک فرد اشرافی به عنوان هدیه ای برای خدایان قرار گرفته است. گونه های این شکل خالکوبی شده است و مدل موی او را همانند نخبگان نمایش می دهد. او دارای مو های لایه لایه بریده شده است که مدل موی محبوب در میان زنان اشراف در طول دوره کلاسیک بوده است. نوع خالکوبی بر روی گونه ها احتمالاً با شن و ماسه بوده که با قرار دادن آنها در زیر پوست ایجاد برجستگی و نقش برجسته شده است. او لباسی بر تن و گوشواره تزئینی بزرگی در گوش دارد که از صدف یا از یشم ساخته شده و گردنبندی با دو مروارید بزرگ که احتمالاً از یشم ساخته شده است بر گردنش دیده می شود. او یک سنگ چخماق

³ olmèque

تشریفاتی در دست دارد (تصویر ۸) که نمادی از قدرت و رعد و برق است. مایاها اعتقاد داشتند که هر سنگ چخماقی که ظاهر می شود نشانگر یک لحظه از انتقال - از کودکی به بزرگسالی و یا زندگی به مرگ است. اینگونه نمادها نشان دهنده این بودند که زنان نقش مهم و والایی در جامعه مایا داشتند. هرچند جامعه مایا جامعه ای پدر سالاری بود، اما اجداد مادری نیز می توانستند بر مقام اجتماعی فرد اثر بگذارند. پیکره ای سنگی نماد تحول و اتحاد تضادهاست (تصویر ۹). در یک طرف، یک مرد با شلوار قرمز؛ از سوی دیگر، یک زن با یک پیراهن و یک گردنبنند با مروارید بزرگ است. دو چهره دارای بینی برجسته و عقب نشینی پیشانی اند (تصویر ۸).



تصویر ۷



تصویر ۸



تصویر ۱۰



تصویر ۹

Musée canadien des civilisations, XXI-A-143 XXI-A-51

در تصویر ۱۰ این صدف به صورت نصف شده و نقاشی شده با رنگدانه قرمز است، و روی آن تصویری از یک نجیب زاده کشیده شده است. مدل موی او نشانی مقدس دارد، نماد یک خانواده سلطنتی برای موهای بلند خود که به رنگ سبز روشن است. با این نوع صدف ها جواهراتی مانند گردنبنند آویز یا گوشواره می ساختند و از آنها برای تزئین لباس شاهانه و سلطنتی استفاده می کردند. یک صدف

در ریاضیات مایا نشانگر عدد صفر است^۴. پیکره‌ها اغلب برای احترام به پادشاهان و خدایان و برای مذاکره در مورد روابط بین انسانها و نیروهای فراطبیعی قدرتمندی ایجاد می‌شد. برخی از این مجسمه‌ها از سنگ یشم سبز که جنبه قدسی داشت ساخته شده بودند و کشف میزان زیاد محصولات یشم در کنار قبرهای مایا مؤید این نکته است. تندیس‌ها عموماً به صورت نیم تنه و نشسته و به ندرت ایستاده اند و در درهای ورودی و نمای ساختمان‌ها به چشم می‌خورند. برخی از این پیکره‌ها صرفاً سر پادشاه یا خدایی را نشان می‌دهد. گاهی نیز خلقت جهان در قالب مجسمه و پیکره‌هایی است که ماندگاری خود را حفظ نموده اند (miller, 1999: 88-92).

نتیجه

سبک متمایز هنر مایا که در دوره پسا کلاسیک (۱۰۰۰ قبل از میلاد تا ۲۵۰ پس از میلاد)، تا اندازه ای تحت تأثیر تمدن اولمک قرار گرفت، اشکال هنری آن در دوره کلاسیک اولیه (۲۵۰-۵۵۰ پس از میلاد) سازمان‌دهی شد و در مرحله کلاسیک متأخر (۵۵۰-۹۰۰ پس از میلاد به بعد) رشد کامل خود را یافت. در این میان، پیوند ذاتی هنر و دین در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی، فردی و هنری قوم مایا نشان از اعتقاد به جاودانگی انسان دارد که آثار و بناهای هنری با ماهیتی معنوی که دارند، اغلب با کنده کاری و به تصویر کشاندن خدایان، شخصیت‌های افسانه‌ای، قهرمانان و یا صحنه‌های مذهبی توجه خدایان و ارواح را به خود جلب می‌کردند که این شکل حیات با اشیاء کوچک حکاکی شده تا اهرام غول پیکر، عناصری سازنده و معنادار را بیان می‌کنند. معماری مایا با باورهایی که آنها از کیهان داشتند، ارتباط تنگاتنگی دارد. ساختمان‌ها و بناها نقش مذهبی ایفا می‌کردند، و در هنر سفالگری، آنها با طرح صحنه‌هایی از زندگی روزمره، اساطیر، نبردها و مراسم مذهبی در صدد انتقال اسرار معنوی بوده‌اند و در پیکرتراشی، تمرکز آثار هنری مایا در پیکره‌های انسانی (چه خدایان و چه انسان‌های فانی) بود. حیوانات و سبک‌های دیگر معمولاً برای تزئین سفال و اشیاء در نظر گرفته می‌شدند. نوشته‌های مایاها، که می‌توان آن را خود یک شکل هنری در نظر گرفت، در بیشتر مجسمه‌ها و کنده‌کاری‌ها دیده می‌شود.

^۴ تمدن مایا از بزرگترین تمدن‌هایی به شما می‌رود که عدد صفر را اختراع نمود.

منابع

- استرلین، هنری (۱۳۸۶). *معماری مکزیک باستان*، مقدمه ولادمیر کاسپه، ترجمه حمیده جابری انصاری، تهران، انتشارات فرهنگ هنر، چاپ اول.
- پراسکوریاکوف، تایتانا (۱۳۸۴). *معماری معابد مایا*، ترجمه حسین سلطان زاده، تهران، انتشارات چهارطاق، چاپ اول.
- کنوروزف، یوری (۱۳۵۷). *زندگی و آخرت در نزد قبایل باستانی مایا*، پیام یونسکو، شماره ۱۱.
- گاردنر، هلن (۱۳۶۵). *هنر در گذر زمان*. به تجدید نظر هورست دلاکروا و ریچارد ج. تنسی، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران، انتشارات آگاه.
- گروه نویسندگان (۱۳۷۷). *تاریخ جهان، تحول اندیشه، تمدن و فرهنگ جهان*، جلد اول، انتشارات فردوس، چاپ اول.
- لانگ، کاترین، ج. (۱۳۸۵). *آمریکای باستان*، ترجمه فرید جواهرکلام، تهران، انتشارات ققنوس.
- نترلی، پاتریشیا، د. (۱۳۸۵). *تمدن مایا*، ترجمه فرید جواهرکلام، تهران، انتشارات ققنوس.
- نیدر گانگ، مارسل (۱۳۵۶). *بیست کشور آمریکای لاتین*، جلد ۳، ترجمه محمد قاضی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول.

References

- Baudez, Claude-François (2002), *Une histoire de la religion des Mayas. Du panthéisme au panthéon. Paris, Albin Michel*
- Bancroft, Hubert Howe (1883), *San Francisco: A. L., Bancroft & Company, Publishers.*
- Benson, Elizabeth p., (1967), *the Maya World*. New York; Thomas Y. Crowell Company
- Carol, Kaufman.(2003), "*Maya Masterwork*". National Geographic December 2003.
- Coe, Michael d., and Stephen Houston (1987), *the Maya*, New York: Thames Hudson.
- Cowper, Marcus (2010), *history book: an interactive journey*, Washington: national geographic society

- Denimal, Romain (2021), Megan Ybarra, Green Wars. *Conservation and Decolonization in the Maya Forest*, Journal de la Société des américanistes.
- Dufresne, Claude (2013), « *Les Mayas - Trois millions d'âmes offertes aux dieux !* », Historia, n° spécial 84, date inconnue (lire en ligne), consulté le 22 août
- Estrada-Belli, Francisco (2011), *the First Maya Civilization: Ritual and Power before the Classic Period*. Abingdon, UK and New York: Routledge.
- Foulke, William Dudley (1901), *Maya, a story of Yucatan*, New York and London: Cbe Knickerbocker press.
- Miller, Mary Ellen(1999), *Maya art and architecture*, Boston Public Library, Thames and Hudson Lid. London.
- M. Schortman, Edward, Patricia A. Urban, Robert J. Sharer (1983), Quirigua Reports: II, Papers 6-15, G. Miller Arthur, *Stylistic implications of monument carving at Quirigua and Copan*, Parer No.14.
- Peterson, L. Haug, G. (2005), *Climate and the Collapse of Maya Civilization*.
- Soustelle, Jacques (1979), *Les Olmèques: La Plus Ancienne Civilisation du Mexique*, Librairie Arthaud, Paris.
- Spence, Lewis, (2007), *the magic and mysteries of mexico or tharcane secrets and occult lore of the ancient mexicans and maya*, london: rider & co. Paternoster row.